بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان فارس - 3 /اردیبهشت/ 1390

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز از استان فارس. حقیقتاً امروز با این جمع مؤمن، صمیمی، خونگرم و با این شعارهای پرمغز و پرمعنا و حضور روشن و صمیمیِ خودتان در اینجا، یاد رشادتهای بزرگ مردم استان فارس و مردم شیراز را - که کم هم نیست در طول تاریخ معاصر و در گذشته‌های نزدیك تاریخی- زنده کردید.

حقاً و انصافاً استان فارس و شهر شیراز یکی از قله‌های برجسته‌ی کشور ما و ملت ماست ؛ قله‌ی برجسته‌ی نیروهای انسانیِ ممتاز، در علم، در ادب، در پیشرفتهای گوناگون امور حیات اجتماعی، در مبارزات، در جهاد، در تدین. به تاریخ اخیر قبل از پیروزی انقلاب هم که نگاه کنیم، نام شیراز در حساسترین و حیاتی‌ترین قضایای اجتماعی ما برجسته است. فرض کنید در قضیه‌ی تاریخی تحریم تنباکو، که سرآغاز یك مبارزه‌ی مردمی و آگاهانه بر علیه تسلط غرب بود، نام میرزای شیرازی مطرح است ؛ که اگر همان حرکت میرزای شیرازی (رضوان اللّه علیه) ادامه پیدا میکرد و سیاستمداران و نخبگان کشور همان خط را دنبال میکردند، سرنوشت ایران غیر از آن چیزی میشد که اتفاق افتاد ؛ ولی خب، استعمارگرها از غفلتها و از طمعها استفاده کردند، آمدند وسط، خط را قطع کردند. یا در قضیه‌ی جنگهای مردم عراق با استعمار انگلیس و دخالت انگلیسها، باز آنجا هم اسم شیراز مطرح است. رهبر این حرکت عظیم، مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی - معروف به میرزای دوم شیرازی - این مرد بزرگ و عالم و مرجع تقلید بود. در خود فارس، علمای بزرگ، شخصیتهای برجسته و انسانهای والا بودند ؛ چه در مبارزات دوران مشروطه، چه بعد از آن در دوران مبارزات انقلاب اسلامی، و چه در پیروزی انقلاب، و چه بعد از آن تا امروز. این، حالا باب مجاهدت است. البته «الجهاد باب من ابواب الجنّة فتحه اللّه لخاصّة اولیائه». (1) باب جهاد، باب کم‌اهمیتی هم نیست ؛ در بهشت است، به روی همه هم باز نمیشود ؛ به روی اولیاء باز میشود. این نشان میدهد که مردم مجاهد ما از اولیای خداوند هستند که این باب روی آنها باز شده است.

اگر در زمینه‌ی علم وارد شویم، همین جور است. در حرکت علمیِ ممتاز بعد از دوران انقلاب - بخصوص در سالهای اخیر - شیراز یکی از پیشروان است. در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی- در این حوادث دشوار و لُغَزگونه - مردم شیراز جزو آگاه‌ترین‌ها و بابصیرت‌ترین‌ها به حساب می‌آیند. گاهی حوادث سیاسی آنچنان پیچیده میشود که شبیه لُغز میشود ؛ باز کردنش کار هر کس نیست ؛ اما می‌بینیم که مردم ما هوشیارند، بیدارند ؛ و از جمله، مردم عزیز استان فارس جزو جلوترها و پیشروها هستند.

یك نقطه‌ی برجسته در مسئله‌ی شیراز و استان فارس - بخصوص شیراز - این است که در دوران رژیم طاغوت چند نقطه را انتخاب کردند برای اینکه اینجا را مرکز انحراف از اخلاقیات و معنویات دین قرار بدهند ؛ یکی‌اش شیراز بود. خواستند استفاده کنند از روحیه‌ی ادب و هنری که در این استان موج میزند. خب، استان فارس و شیراز مرکز ادب است دیگر ؛ استان هنر و شعر و انواع و اقسام فنون هنری است، که نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی مردم آنجا هم هست ؛ مردمی هنرشناس، هنرپرور، اهل ذوق و اهل دل. رژیم طاغوت خواست از این خصوصیت مردم استفاده کند، آنجا را مرکز گسترش فساد قرار دهد. همان روز هم مردم زدند تو دهن رژیم. بعد هم شما مقایسه کنید توجهات مردم به حرم حضرت احمدبن‌موسی و اخوانشان (علیهم السّلام) را با گذشته، ببینید چقدر توجه، ارادت و علاقه‌ی مردم به این بزرگواران بیشتر است. یعنی مردم درست همان خطی را که نقطه‌ی مقابل سیاست رژیم طاغوت بود، دنبال کردند، باز هم دارند میکنند ؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود. اینکه ما به مردم استان فارس و مردم شیراز اظهار اخلاص میکنیم، دلیلش اینهاست.

خب، حالا هم چهارده هزار و ششصد شهید، که پنج هزار نفرشان فقط از خود شهر شیرازند ؛ این خیلی رقم بزرگی است. وقتی میگوئیم یك شهید، معنایش این است که دهها نفر وارد این میدان شدند، مجاهدت کردند، جان را کف دستشان گذاشتند، یکی به فیض شهادت نائل شده، بقیه برگشتند. با این حساب، محاسبه کنید چهارده هزار و ششصد شهید یعنی چه؟ یعنی استان، یکپارچه شور و حرکت و عشق به فداکاری، از خود نشان داده است.

خب، ما که نمیخواهیم مداحی مردم شیراز را بکنیم، یا مداحی مردم عزیزمان را بکنیم ؛ نه شما احتیاج دارید، نه توقع دارید. چرا این مطالب را بیان میکنیم؟ این برای این است که علی‌رغم دشمن، تاریخ ما، حقیقت موجودیت و واقعیت ملت ما برای دوست و دشمن، برای امروز و فردا مشخص و واضح شود ؛ چون تبلیغات دشمنان، درست نقطه‌ی مقابل این است. اینکه یك ملتی پای حرف خود - که حرف حقی است و برای دنیا و آخرت او اهمیت دارد - اینجور بایستد، این همان چیزی است که کلید اصلی پیشرفت ملتها محسوب میشود ؛ درست نقطه‌ی مقابل هدف زراندوزان و زورگویان و زورمداران و قدرتمداران عالم است که به‌غصب میخواهند ملتها را تحت سیطره بکشند و انسانها را اسیر و برده‌ی خودشان کنند. باطل‌السحر این حرکتِ دشمنان همین است که یك ملتی حرف حقی را انتخاب کند، پای آن حرف بایستد. ایستادگی پای این حرف، هم او را به هدف میرساند، هم برای دیگرانی که دارند از اطراف تماشا میکنند، میشود یك الگو ؛ کمااینکه شما ملت ایران الگو شدید. تحلیلهای دنیا هم نسبت به مسائل منطقه‌ی ما همین است ؛ میگویند ایران الگو شد، ملت ایران الگو شد. و میترسند که همان اتفاقی که در اینجا افتاد، آنجا هم بیفتد ؛ یعنی برافراشته شدن پرچم اسلام و ایجاد نظامی مبتنی بر اسلام. این، خاصیت ایستادگی است.

این است که انسان هرچه زبان به تمجید ملت بزرگ ایران باز کند - با این نشانه‌هائی که حالا در مورد فارس عرض کردیم - زیاد نیست، اغراق نیست، مبالغه نیست. یك درگیری و جنگی در طول تاریخ برقرار است ؛ جنگ بین یك معدودی از طمع‌ورزان و قدرت‌طلبان و زراندوزان و مستکبرین عالم، و توده‌ی مردم و ملتها. در تمام تاریخ، این جنگ وجود داشته است. آن مستکبرین سلاح داشتند، پول داشتند، صدای بلند داشتند ؛ و چیزهائی را هم نداشتند: اصلاً رحم نداشتند، اصلاً انصاف نداشتند ؛ حاضر بودند فجایع بزرگ و فجیع‌ترین جنایتها را انجام دهند، برای مقاصد خودشان. ملتها فقط جانشان، عزمشان و ایمانشان را داشتند. ملتها هر جا این ابزارهای بزرگ را به میدان آوردند و ایستادگی کردند، طرف مقابل شکست خورده است. ولی خب، همیشه اینجور نبوده که ملتها بتوانند استقامت کنند، ایستادگی کنند، جان و عزم و همت و ایمان را به طور کامل به میدان بیاورند ؛ هر جا آوردند، پیش رفتند.

این جنگ، امروز هم هست. قدرتهای مستکبر دنیا - یعنی قدرتهای غربی، قدرت آمریکا، قدرت صهیونیستها - حد یقف ندارند ؛ میخواهند بر همه‌ی دنیا، بر همه‌ی منابع مالی عالم، بر همه‌ی نیروهای انسانی تسلط پیدا کنند. خب، تقصیر ملتها چیست؟ چرا باید ملتها تحمل کنند؟ ولی متأسفانه واقعیتها این شده. از جنس خودشان کسانی را در رأس ملتها میگمارند تا منافع آنها را تأمین کنند و هرچه میتوانند، علیه منافع مردم کار کنند و به مردم فشار بیاورند. در حدود دویست سال اخیر که مسئله‌ی استعمار به وجود آمده است، این به شکلهای مختلف در دنیا اتفاق افتاده است. ملتها دیگر در این دوران مشکلشان فقط این نیست که با یك دیکتاتور مواجه‌اند، با یك آدم مستبد مواجه‌اند ؛ مشکلشان این است که این دیکتاتور عقبه‌ای از قدرتهای بین‌المللی دارد ؛ آنها هستند که دارند منافع این کشور و این ملت را پایمال و نابود میکنند. مشکل دوران استعمار این است. با این دید که نگاه کنیم، همه‌ی این مسائل، درست تحلیل میشود. قضایای امروز هم همین جور است.

امروز به برکت اسلام، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت بیداری عمومی اسلامی، یك حوادثی در منطقه دارد اتفاق می‌افتد. مطمئناً این بیداری مردم به نتیجه خواهد رسید ؛ همچنان که تا امروز، تا این ساعت، در نقاطی به نتیجه

رسیده است. عزم مردم، ایمان مردم، آمادگی مردم برای فداکاری، هرچه بیشتر ادامه پیدا کند، احتمال پیروزی آنها بیشتر خواهد شد. این، آن چیزی است که استکبار، آمریکا و صهیونیستها نمیخواهند اتفاق بیفتد ؛ نمیخواهند مردم ایستادگی کنند. آمریکا در این قضایا غافلگیر شد، ضربه به او ناگهانی وارد شد ؛ صهیونیستها همین جور، دولتهای مستعمر پرمدعای اروپائی همین جور - اینها غافلگیر شدند - اما میخواهند هر جور ممکن است، بر صحنه مسلط شوند. البته خوشبختانه تا حالا نتوانسته‌اند ؛ در یکی دو کشور که اصلاً نتوانستند، در یکی دو کشور دیگر هم دارند تلاش میکنند. مطمئناً این بیداری چیزی نیست که تمام بشود ؛ این حرکت مردم به سمت جلو چیزی نیست که به عقب برگردد. هر کاری بکنند، این حرکت نهایت خوبی دارد به نفع مردم و به زیان قدرتها. البته ملتها باید بهوش باشند، بدانند که دشمن کمین‌کرده است.

یك جاهائی هم حقاً و انصافاً ظلم آشکار میکنند. الان در مسئله‌ی بحرین، در مسئله‌ی لیبی، در مسئله‌ی یمن، همه‌ی کسانی که میتوانند در این قضایا داوری کنند، اگر دقت کنند، این قدرتهای غربی را جنایتکار و مقصر غیرقابل اغماض خواهند شناخت. اینها دارند به مردم ظلم میکنند. تحلیل اینها کار تحلیلگران سیاسی است ؛ خب، تحلیل میکنند، میگویند ؛ آنچه که سرجمع همه‌ی اینهاست، این است که امروز آمریکا و غرب و اینها دارند به نفع صهیونیستها، به نفع دولت جعلی اسرائیل، به این مردم فشار می‌آورند و ظلم میکنند ؛ که بیش از همه هم مردم بحرین متأسفانه مورد ظلم قرار گرفته‌اند.

چون جمهوری اسلامی موضع حق را انتخاب میکند، حرفش را صریح میزند، همه‌ی حملات تبلیغاتی را برمیگردانند به طرف نظام جمهوری اسلامی. دلشان میخواست جمهوری اسلامی یك تماشاگر بی‌تفاوت باشد ؛ چنین چیزی ممکن نیست، این طبیعت جمهوری اسلامی نیست. نه ملت، نه مسئولین، نه دولت، نه نخبگان سیاسی، معلوم است که در این درگیری ظالمانه‌ای که از سوی مستکبرین با مردم به وجود آمده است، نمیتوانند بی‌تفاوت و تماشاگر بمانند. آن وقت میگویند ایران دارد دخالت میکند! چه دخالتی؟! کدام دخالت؟! در بحرین، در لیبی، در یمن، ایران چه دخالتی کرده؟ بله، دخالت همین است که ما نظرمان را صریح گفته‌ایم ؛ ما از اخم قدرتهای پوشالی دنیا هرگز نترسیدیم، ملاحظه نکردیم و نخواهیم کرد. ما حرف حق و موضع حق را صریح بیان میکنیم. موضع حق این است که مردم بحرین حق دارند ؛ معترضند، اعتراضشان هم بجاست. با هر انسان صاحب بینشی در دنیا میخواهید این را در میان بگذارید، وضعشان را بگوئید، نوع حکومت کردن به این مردم مظلوم را بگوئید، نوع کاری که حکام آنجا در استفاده‌ی از این کشور کوچك کردند، تشریح کنید، تا ببینید دستگاه حاکم را محکوم میکنند یا محکوم نمیکنند. اشتباه میکنند با مردم مواجه میشوند ؛ فایده‌ای ندارد. خب، ممکن است شما یك فشاری بیاورید، وحشیگری‌ای بکنید، یك چند صباحی یك آتشی را خاموش کنید ؛ لیکن خاموش نخواهد شد، روزبه‌روز عقده‌های مردم را بیشتر و غیظ آنها را شدیدتر خواهید کرد. یك وقت آنچنان زمام کار از دستتان در خواهد رفت که دیگر هیچ جوری نشود بخیه زد. اشتباه میکنند ؛ هم آنها اشتباه میکنند، هم آن کسانی که از خارج از بحرین نیرو وارد میکنند، بشدت در اشتباهند ؛ خیال میکنند با این حرفها میشود حرکت یك ملت را از بین برد. خب، حرف جمهوری اسلامی اینهاست ؛ در مورد یمن هم همین جور، در مورد لیبی هم همین جور. در لیبی غربی‌ها دارند با ملت لیبی بازی میکنند. کشوری در نزدیکی اروپا - یك ساعت راه تا قلب اروپا - و سرشار از نفت ؛ نمیخواهند در آنجا یك حکومت مردمی، آن هم مردمی که مسلمانند، سر کار بیاید ؛ دارند همین طور بازی میکنند، دست به دست میکنند، مردم را بازی میدهند. خب، مردم میفهمند، مردم لیبی میفهمند. و همین طور در جاهای دیگر.

مجرم اصلی در این حوادث، بلاشك مستکبرین عالم، دستگاه استکبار بین‌المللی و شبکه‌ی صهیونیستی بین‌المللی است که الان هم از همین هیاهوها و سر و صداها صهیونیستها دارند استفاده میکنند ؛ روی مردم غزه فشار می‌آورند، روزانه از آنها شهید میگیرند. جا دارد ملتهای منطقه، دولتهای منطقه، آنهائی که دلشان برای حقایق میتپد،

از عملکرد رژیم صهیونیستی غفلت نکنند.
این، وضعیت نظام جمهوری اسلامی است. لذا شما ملاحظه کنید ؛ تبلیغات، تلاش سیاسی، تلاش اقتصادی، تلاش امنیتی از سوی آمریکا و اینها متوجه به جمهوری اسلامی است. البته جمهوری اسلامی به توفیق الهی محکم ایستاده است، اما آنها دارند رذالت خودشان را میکنند ؛ آنها کوتاه نیامده‌اند. استحکام نظام جمهوری اسلامی موجب شده تیغ آنها کند شود، بر صخره فرود بیاید. و من میخواهم بگویم این حالت صخره‌گون را ملت و دولت عزیز ما حفظ کنند. نگذارید اختلاف به وجود بیاید. نگذارید شکاف به وجود بیاید. نگذارید آنچه را که دشمن در تبلیغات و در خباثتهای سیاسی و تفتینهای سیاسی میخواهد در مورد کشور ما انجام بدهد، انجام دهد.

شما ببینید در همین پنج شش روز گذشته سر یك قضیه‌ای که آنچنان هم از اهمیت بالائی برخوردار نبود - سر مسئله‌ی اطلاعات و امثال اینها - چه جنجالی در دنیا راه انداختند. تحلیلها را بردند به این سمت که بله، در داخل نظام جمهوری اسلامی شکاف ایجاد شده است، حاکمیت دوگانه شده است، رئیس جمهور حرف رهبری را گوش نکرده است! دستگاه‌های تبلیغاتی خودشان را از این حرفهای سست و بی‌پایه پر کردند. ببینید چطور منتظر بهانه‌اند. ببینید چطور مثل گرگ در کمین نشسته‌اند که یك بهانه‌ای پیدا کنند، هر جور میتوانند، حمله کنند. میدانند که دولت مشغول تلاش و فعالیت و خدمت است. خب، واقعاً در کشور دارد خدمت انجام میگیرد. هر جا خدمت باشد، هم مردم طرفدار هستند، هم رهبری طرفدار است. ما که راجع به شخص قضاوت نمیکنیم ؛ ما کار را، خط را، جهتگیری را ملاك و معیار قرار میدهیم. آنجائی که کار و خدمت و تلاش هست، حمایت ما هست، حمایت مردم هست. و بحمدالله امروز کار دارد انجام میگیرد. مسئولین دولتی هم حقاً و انصافاً دارند تلاش میکنند ؛ هم اعضای دولت، هم بخصوص خود رئیس جمهور. اینها شب و روز ندارند ؛ من می‌بینم، من از نزدیك شاهدم. اینها دائم مشغول کارند، مشغول خدمت و تلاشند. خب، اینها برای کشور خیلی باارزش است. بنده‌ی حقیر هم طبق اصول بنا ندارم در کارها و تصمیمهای دولت وارد شوم. خب، مسئولیتها در قانون اساسی مشخص است ؛ هر کس مسئولیتی دارد ؛ مگر آنجائی که احساس کنم یك مصلحتی دارد تفویت میشود ؛ مثل اینکه در همین قضیه‌ی اخیر اینجوری بود ؛ انسان احساس میکند یك مصلحت بزرگی دارد مورد غفلت قرار میگیرد، تفویت میشود ؛ خب، انسان وارد میشود که جلوی این تفویت مصلحت را بگیرد. این، مسئله‌ی مهمی نیست، نظائرش هم اتفاق می‌افتد ؛ اما مخالفین، دشمنان بیرونی، تریبون‌دارهای بین‌المللی، بوقهای تبلیغاتی، از همین مسئله استفاده میکنند برای اینکه فضای تبلیغاتی را شلوغ کنند.

عرض من به عناصر داخلی، به مردم دلسوز، به برادران و خواهرانی که در داخل با مسائل تبلیغاتی سر و کار دارند، این است که سعی کنند به این آشفتگی کمك نکنند. این که تحلیل بگذارند، یکی از آن طرف، یکی از این طرف، این علیه آن، آن علیه این، برای هیچ و پوچ، چه لزومی دارد؟ نه، دستگاه بحمدالله دستگاه مقتدری است، مسئولین مشغول کارشان هستند، رهبری هم که بنده‌ی حقیر هستم با همه‌ی حقارت، خدای متعال کمك کرده، ما در مواضع صحیح خودمان محکم ایستاده‌ایم. تا من زنده هستم، تا من مسئولیت دارم، به حول و قوه‌ی الهی نخواهم گذاشت این حرکت عظیم ملت به سوی آرمانها ذره‌ای منحرف شود. تا مردم عزیزمان اینجور با شور، با شعور، با بصیرت، با عزم راسخ در میدان هستند، لطف الهی شامل است ؛ این را بدانید. تا ما توی میدان هستیم، سایه‌ی لطف الهی هست. ماها - من یك جور، شما یك جور، آن دیگری یك جور، چهارمی یك جور - اگر سراغ مسائل شخصی خودمان برویم و اهداف را فراموش کنیم، البته کمك الهی هم کم خواهد شد.
اما امروز ملاحظه میکنید که مردم خوشبختانه در همه جای کشور در صحنه‌اند، در عرصه‌اند ؛ مسئولین همین جور، قوای سه گانه بکلیتها همین جور. قوای سه گانه - هم قوه‌ی مقننه، هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه - واقعاً وارد میدانند ؛ من دارم از نزدیك مشاهده میکنم، می‌بینم ؛ دارند تلاش میکنند، دارند کار میکنند، دارند مجاهدت میکنند، عرقشان در می‌آید. کارها کارهای سنگینی است ؛ کارهای کوچکی نیست.

حالا ما گفتیم جهاد اقتصادی. یك حركت عظیمی جلوی همت مسئولین كشور هست. هم مردم، هم مسئولین باید دست به دست هم بدهند، امسال این حركت جهاد اقتصادی را شروع كنند. همان طور كه گفتیم، شعارهای سال به معنای شروع این جریان است، نه اینكه مخصوص امسال است. خب، اینها دارد الحمدللّه انجام میگیرد. حالا نقص در كار همه‌مان هست ؛ بنده هم نقص دارم، رؤسای قوا هم خالی از نقص نیستند، مسئولین هم خالی از نقص نیستند. باید به خدای متعال پناه ببریم، نقصهای خودمان را بشناسیم، آنها را كم كنیم ؛ در كار عظیم این ملت بزرگ و این حركت عظیمی كه این ملت دارند، گره ایجاد نكنیم.

از خداوند متعال میخواهیم نظر رحمت و نگاه رحیمانه و رحمانانه‌ی خود بر ملت ما را هرگز سلب نفرماید. ان‌شاءاللّه قلب مقدس ولی‌عصر را نسبت به ما مهربان كند و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما كند. از خداوند متعال میخواهیم شهدای عزیز ما و امام بزرگوار ما را - كه سلسله‌جنبان این حركت بزرگ بود - در عالی‌ترین و والاترین مقامات قرب خود جایگاه بدهد.
والسّلام علیكم و رحمةاللّه و بركاته

1) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی 27